

## نقش راهبرد «مقاومت نیابتی» شهید سلیمانی در خروج نیروهای نظامی آمریکا از منطقه

مرتضی محمودوند<sup>۱</sup>، کیهان برزگر<sup>۲</sup>، ابراهیم متقی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۵

### چکیده:

این پژوهش به بررسی راهبرد «مقاومت نیابتی» شهید سپهبد قاسم سلیمانی می پردازد، که چگونه منجر به تضعیف نقش جریان سازی آمریکا در روندهای سیاسی-امنیتی منطقه گردیده و در نهایت زمینه های تدریجی خروج نیروهای نظامی این کشور از مناطق محور مقاومت را فراهم کرد. فرضیه اصلی این پژوهش این است که شهید سلیمانی با ایجاد شبکه ای از نیروهای نیابتی طرفدار جمهوری اسلامی ایران در منطقه و درگیری مستقیم و پنهان آن ها با روند سلطه طلبی سنتی آمریکایی، هزینه های حضور مستقیم نیروهای نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا را افزایش داده و همین امر در نهایت منجر به خروج تدریجی نیروهای نظامی آمریکا از میدان های مقاومت در بحران های منطقه ای همانند لبنان، افغانستان و عراق و یا عدم حضور مستقیم این نیروها در سوریه و یمن گردید. به واقع، عدم توانایی آمریکا در مدیریت این بحران ها در شرایط پسمانزعه و شکست آن در پروژه های دولت-سازي مد نظر خود، منجر به تضعیف نقش آمریکا در میدان بحران های منطقه غرب آسیا گردید. این تحول ژئوپلیتیک، خود منجر به ناکارآمدی نقش سنتی و اعمال نفوذ این کشور بر گروه های سیاسی منطقه در شکل دهی و تداوم دولت های ائتلافی و نهایتا مخالفت این گروه ها با حضور نیروهای نظامی آمریکا در کشورهای میزبان در منطقه گردید. برای آزمون فرضیه فوق، نویسندگان از نظریه رئالیسم تدافعی و از روش تاریخی-تحلیلی برای هدایت پژوهش بهره می گیرند.

**واژگان اصلی:** قاسم سلیمانی؛ مقاومت نیابتی؛ دولت-سازی؛ پسمانزعه؛ میدان محور مقاومت؛ غرب آسیا.

۱. دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. دانشیار روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) [kbarzegar@hotmail.com](mailto:kbarzegar@hotmail.com)

۳. استاد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

## مقدمه

طبیعت سابقه حضور آمریکا در منطقه غرب آسیا به بعد از جنگ جهانی دوم بر می‌گردد که آمریکا برای تثبیت هژمونی جهانی خود نیاز داشت تا حلقه‌ای از متحدان منطقه‌ای جهت مهار نظام کمونیستی شوروی ایجاد کند. حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و حمله تروریستی القاعده به خاک آمریکا و به دنبال آن ورود آمریکا به جنگ افغانستان و اشغال این کشور برای سرکوب طالبان که مکان امن برای نیروهای القاعده فراهم کرده بودند، نقطه عطفی در انباشت حضور نیروهای نظامی آمریکا در منطقه به حساب می‌آید. به دنبال آن آمریکا در سال ۲۰۰۳ به بهانه دروغ تهدیدات وجود تسلیحات کشتار جمعی برای امنیت بین‌المللی که به ادعای واشنگتن در اختیار رژیم بعثی صدام حسین قرار داشتند، به عراق حمله و این کشور را اشغال کرد. این دومین مرحله از انباشت نیروهای نظامی آمریکا در منطقه و تاسیس پایگاه‌های نظامی در محیط بلافاصل ژئوپلیتیک و امنیتی ایران بود. این تحولات ژئوپلیتیک، همراه با سابقه دشمنی‌های آمریکا با جمهوری اسلامی ایران و قرار دادن کشورمان در به اصطلاح «محور شرارت»، منجر به واکنش کشورمان برای مواجهه با تهدیدات امنیتی آمریکا از طریق تقویت جبهه «محور مقاومت» گردید. اهمیت موضوع وقتی بیشتر می‌شود که دریابیم سیاست‌های «تغییر رژیم» آمریکا در منطقه، خود منجر به شکاف‌های مذهبی-قومی و ظهور و رشد مرحله جدیدی از افراط‌گرایی و تروریسم در قالب نسل جدید القاعده در عراق و ظهور داعش و سایر گروه‌های تکفیری در عراق و افغانستان گردید که خود نوعی تهدید نامتقارن جدید امنیتی برای ایران بودند. حوادث بهار عربی و شکل‌گیری بحران‌های جدید در منطقه به ویژه در سوریه که یکی از کشورهای اصلی محور مقاومت بود بر پیچیدگی حضور نیروهای و ایفای نقش سیاسی آمریکا و معادله غرب افزود.

در چنین شرایطی، راهبرد «مقاومت نیابتی» جمهوری اسلامی ایران که شهید سلیمانی آن را در میدان بحران‌های منطقه‌ای با هدف اصلی حفظ امنیت و بقای کشور عملیاتی کرد، نقش برجسته‌ای در ناکام ماندن انباشت نیروهای آمریکایی و نهادینه شدن نقش سیاسی-امنیتی این کشور در منطقه ایفا کرد. پرسش اصلی این مقاله این است که چگونه راهبرد مقاومت نیابتی شهید سلیمانی منجر به تضعیف نقش جریان سازی آمریکا در روندهای سیاسی-امنیتی منطقه گردیده و در نهایت زمینه‌های تدریجی خروج نیروهای نظامی این کشور از مناطق محور مقاومت را فراهم کرد؟ فرضیه نویسندگان این مقاله بر این مبناست که شهید سلیمانی با ایجاد شبکه‌ای از نیروهای نیابتی طرفدار جمهوری اسلامی ایران در منطقه و درگیری مستقیم و پنهان آن‌ها با روند سلطه طلبی سستی آمریکایی، هزینه

های حضور مستقیم نیروهای نظامی آمریکا در منطقه غرب آسیا را افزایش داده و همین امر در نهایت منجر به خروج تدریجی این نیروها از میدان‌های مقاومت در بحران‌های منطقه‌ای گردید. سازماندهی مقاله در چهار بخش صورت گرفته است. بخش اول، راهبرد مقاومت نیابتی را از منظر مباحث تئوریک و مفهومی مورد بررسی قرار می‌دهد. بخش دوم، به بررسی اصول، اهداف، و چگونگی سازگاری راهبرد مقاومت نیابتی در میدان بحران‌های منطقه‌ای می‌پردازد. بخش سوم، چگونگی عملکرد و کاربرد این راهبرد را در میدان عملیات و جنگ مورد بررسی قرار می‌دهد. نهایتاً در بخش چهارم، به تجزیه و تحلیل نقش راهبرد مقاومت نیابتی در تضعیف نقش منطقه‌ای و خروج تدریجی نیروهای نظامی آمریکا یا علل عدم درگیری آن‌ها در بعضی دیگر از میدان‌های نبرد منطقه‌ای می‌پردازد.

## ۱. نظریه، اصول، اهداف و کارکردهای راهبرد «مقاومت نیابتی» در تفکر شهید سلیمانی

### ۱-۱. مقاومت نیابتی از منظر نظریه رئالیسم تدافعی

راهبرد «مقاومت نیابتی» شهید سلیمانی به خوبی از منظر نظریه رئالیسم تدافعی قابل تبیین است. این نظریه هدف اصلی کشورها در صحنه میدان‌های نبرد و پیشبرد سیاست خارجی را به افزایش «امنیت نسبی» خود ارتباط می‌دهد. فرض اصلی واقع‌گرایی تدافعی این است که آناژشی بین‌المللی کم و بیش خوش‌خیم است، یعنی امنیت چندان نایاب نیست و فراوان می‌باشد. در نتیجه دولت‌ها با فهم این موضوع رفتاری تهاجمی نخواهند داشت و تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه موجودیت و بقای آن‌ها بوجود آید نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. این واکنش نیز اغلب تنها در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن منبع تهدید است. تنها در شرایطی که معضل امنیت خیلی جدی شود، دولت‌ها واکنش‌های سخت‌تری به شکل بروز تعارضات رو خواهند آورد. از منظر این نظریه، این دولتمردان هستند که در هر وضعیت خاصی به ارزیابی درجه تهدید یا عدم آن می‌پردازند (Rose, 1998: 152).

در مورد مفهوم «مقاومت» دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است. این دیدگاه‌ها با رشد جنبش مقاومت در دهه اخیر دقیق‌تر و کاربردی‌تر شده‌اند. از مطالعه این دیدگاه‌ها، این رهیافت به دست می‌آید که مقاومت می‌تواند از یک نهضت یا جنبش، نهایتاً به یک ابر نهضت تبدیل شود. در تحلیل‌های اولیه مقاومت در عالم واقع، اقدامات جزئی متشکل از افراد یا سازمان هستند که یک یا چند نوع

علاقه خاص آن‌ها را به هم گره زده است. تجزیه و تحلیل این حلقه‌ها بیان‌گر این است که اصلی‌ترین نکته در همه آن‌ها مقاومت در برابر یک تهاجم خارجی یا مبارزه برای رفع سلطه بیگانگان است. در این نگاه مقاومت مجموعه‌ای از گروه‌های به هم پیوسته است که نقطه اتصال موضوع مقاومت است و چستی این پدیده خود به فرهنگ بشری بستگی دارد (معنوی، ۱۴۰۱: ۱۸۱). در مقوله «مقاومت نیابتی» از منظر رئالیسم تدافعی، این راهبرد با ترکیبی از بکارگیری نیروهای نیابتی دوست و طرفدار کشور مرکز مقاومت (در اینجا ایران) و همچنین برقراری ارتباط با نخبگان سیاسی-امنیتی در ساختار دولت‌های منطقه، رهبری مقاومت بین «منابع موجود» و «محدودیت‌های استراتژیک» دولت‌ها در مواجهه با قدرت‌های نوعی تعادل برقرار کرده و از به بکارگیری عناصر ایدئولوژیک و برتری‌های ژئوپلیتیک توان بالقوه نیروهای سلطه طلب را در روند زمان به چالش می‌کشد و نهایتاً تضعیف می‌کند (برزگر، ۱۳۸۸: ۷۰). این تحول در نهایت به لحاظ سیاست‌گذاری نقش موثری در پیشبرد سیاست خارجی کشور رهبر مقاومت خواهد داشت.

به این لحاظ، سه ویژگی اصلی در عملیاتی کردن راهبرد «مقاومت نیابتی» شهید سلیمانی از منظر نظریه رئالیسم تدافعی مد نظر قرار می‌گیرد: نخست، ترکیب ابزارهای سخت‌افزاری نظامی با ابزارهای نرم‌افزاری بسیج توده‌ها و نیروهای ایدئولوژیک و سیاسی ضد حضور بیگانگان در کشور میزبان است. دوم، برقراری نوعی تعادل بین امکانات موجود و محدودیت‌های استراتژیک ناشی از ایفای نقش همزمان رقبای منطقه‌ای و قدرت‌های بزرگ خارجی در قبال محور مقاومت می‌باشد. سوم، ایجاد یک شیوه موثر و نوین جنگ در میدان‌های نبرد منطقه‌ای است که به اصطلاح «دفاع پیشرو» یا «دفاع رو به جلو» خوانده می‌شود (برزگر، ۱۴۰۰). در این شیوه نبرد، مقابله با تهدیدات بالقوه و بالفعل با کمک نیروهای محلی و ضدحضور بیگانه در کشورهای میزبان صورت می‌گیرد، اما دستاورد مهم این استراتژیک به بکارگیری راهبرد مقاومت نیابتی، «تضعیف و حرکت به سمت افول نقش جریان‌سازی‌های بیگانه و شکل‌گیری یک نظم نوین منطقه‌ای است» (Snyder, 2002: 155).

## ۱-۲. اصول و اهداف راهبرد مقاومت نیابتی

مهمترین اصول و اهداف راهبرد مقاومت نیابتی شهید سلیمانی را می‌توان در به دست آوردن دستاوردی استراتژیک در تضعیف و حرکت به سمت افول نقش جریان‌ساز معادله غرب و در رأس آن آمریکا در نظم نوین منطقه‌ای غرب آسیا دانست. در نتیجه این تحول ژئوپلیتیک، برای اولین بار کشورهای منطقه خود به طور مستقل به ایفای نقش سیاسی-امنیتی و حتی اقتصادی برای تأمین

منافع و امنیت ملی خود می‌پردازند و گرایش به رویکرد «نگاه به درون» در آن‌ها تقویت شده است. نمونه آشکار آن آشتی ریاض با تهران با وساطت چین در ماه‌های اخیر است که بطور زنجیره وار منجر به بهبود روابط ایران با همسایگان عربی و در منطقه بزرگتر غرب آسیا شده است (شرق، ۱۴۰۲). این واقعیت را هم باید پذیرفت که تضعیف قدرت نظامی یک قدرت بزرگ در میدان نبرد و خروج آن از منطقه بحران، بطور طبیعی و بتدریج موجب تضعیف سیاسی بالقوه و بالفعل آن قدرت در ایفای نقش‌های سیاسی - امنیتی در منطقه نیز می‌گردد. از دیگر اهداف راهبرد مقاومتی، اتخاذ تدابیر گوناگون از سوی رهبری محور مقاومت و گروه‌های متحد آن برای مایوس کردن دولت یا دولت‌های دشمن و رقیب از پیگیری سیاست‌های تهدیدآمیز یا انجام اقدام اساسی برای بازداشتن یک دولت از دست یازیدن به اقدام تجاوزکارانه یا راهبرد جنگ محدود در صورت وقوع و یا تدابیری است که با استفاده از ابزارهای روانی به جای ابزار فیزیکی از بروز جنگ یا تهدید جلوگیری می‌کند (محمدنژاد و نوروزی، ۱۳۷۸: ۴۵).

در راهبرد مقاومت نیابتی شهید سلیمانی، شبکه‌ای بر شکل‌گیری و گسترش ارتباطات درون شبکه‌ای و بین شبکه‌ای از جمله ارتباط بین حلقه‌ای و رهبری محور مقاومت متمرکز گردیده است. در این نظام شبکه‌ای، هدف حفظ نظم مطلوب خود و جلوگیری از رفتارهای نامطلوب دشمن و متخاصم است. در این روش مقاومت نیابتی، جریان ارتباطات بین حلقه‌ها و محورها برای کنترل دشمن و خشی‌سازی اقدامات آن‌ها استفاده می‌شود. به عبارتی با تضعیف یا تقویت ارتباطات با سمت‌گیری آن‌ها به سمت حلقه‌های خاص، با هدف ایجاد بازدارندگی تهدید بالقوه بهره‌گرفته می‌شود. هدف اصلی پیوند بین نیروهای مقاومت و حوزه‌های اینولوژیک و ژئوپلیتیک است. بر این مبنا، در صورت حمله به نقطه‌ای خاص که این نقطه می‌تواند هر یک از شعبات محورهای مقاومت باشد، سایر حلقه‌ها یا نقاط دیگر تحت تاثیر قرار گرفته و عکس‌العمل آن‌ها را برمی‌انگیزد و از این طریق هزینه دشمن شدیداً افزایش می‌یابد. بدین سبب دشمن از تشدید تنش و حمله منصرف می‌شود (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳۸). از این رو، مقاومت نیابتی ماهیت پیشگیرانه داشته و بیشتر یک راهبرد تدافعی، غیر تهاجمی و غیر توسعه طلبانه است. به واقع این نوع مقاومت، یک کنشگری فعال در دفع تهدید دشمن است (Katzman, 2019:25). نکته حائز اهمیت این است که اقدام به چنین فعالیتی به واسطه آشنایی و اشراف اطلاعاتی نیروهای محلی بر منطقه فعالیت دشمن، غالباً موفقیت آمیز بوده است. یک نمونه، حمله پهبادی و موشکی نیروهای مقاومت به پایگاه‌ها و مراکز سیاسی

بجا مانده آمریکا در عراق و سوریه در ماههای اخیر است.

### ۳-۱. اهداف راهبرد مقاومت نیابتی و سازگاری با ژئوپلیتیک بحران‌های منطقه‌ای

شهید سلیمانی راهبرد مقاومت نیابتی را بر مبنای تقویت جبهه محور مقاومت به منظور سازگاری آن با محیط ژئوپلیتیک مناطق بحران در عراق، سوریه، یمن و افغانستان و با هدف تضعیف نقش منطقه‌ای آمریکا و متحدان منطقه‌ای اش به ویژه رژیم اسرائیل سازماندهی کرد. این راهبرد، یک دستاورد استراتژیک برای تقویت قدرت منطقه‌ای ایران با تکیه بر سه پویایی ژئوپلیتیک داشت. نخست، راهبرد مقاومت نیابتی نشان داد که آمریکا یک کشور غیرقابل اعتماد برای متحدان سستی خود به شمار می‌آید. این امر به ویژه با خروج شبانه و ناجوانمردانه آمریکا از افغانستان بعد از ۲۰ سال نبرد با طالبان و ایجاد امید باطل برقراری دموکراسی و توسعه اقتصادی در قشر وسیعی از ملت افغان تجلی پیدا کرد. نتیجه ناامیدی و سرخوردگی منطقه‌ای متحدان منطقه‌ای آمریکا از نقش تضمین‌کننده امنیت آن‌ها در شرایط ناامنی و بحران و به تبع گرایش بیشتر آن‌ها به اتخاذ رویکردهای مستقل و تنوع روابط بین‌المللی و همچنین گرایش به همکاری‌های منطقه‌ای بود که اکنون شاهد آن هستیم. گرایش به توسعه روابط کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به ویژه امارات متحده عربی و عربستان سعودی با ایران بعد از خروج نیروهای نظامی آمریکا از عراق و افغانستان بیشتر شده است. به ویژه که آمریکا در حمله موشکی به تاسیسات نفتی آرامکو در سال ۲۰۱۹ نشان داد که برای کشورهای عربی وارد یک جنگ مستقیم نمی‌شود.

دوم، این راهبرد آشکار کرد که آمریکا توانایی هدایت و موفقیت در جنگ‌ها، بویژه مدیریت شرایط پسمنازعه در منازعات منطقه‌ای و در روند دولت‌سازی در کشور میزبان را ندارد. نتیجه اینکه در آینده شاهد تقویت جریان‌های مستقل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی در منطقه خواهیم بود که در برخی مواقع با هدف متنوع‌سازی روابط همانند نزدیکی ترکیه و روسیه بعد از جنگ اوکراین یا اخیراً عربستان و چین، حتی منافع آمریکا را هم به چالش می‌کشند. همانگونه که در بالا اشاره شد، بهبود سریع روابط ایران و عربستان سعودی با میانجیگری چین یک نمونه آشکار دیگر است.

سوم، خروج کامل میدانی آمریکا از منطقه در نتیجه تداوم عملیاتی بودن راهبرد مقاومت نیابتی، منجر به تضعیف نقش سیاسی و قدرت جریان‌سازی آمریکا در منطقه در بلندمدت شده است. اکنون امنیت پایگاه‌ها و مراکز سیاسی آمریکا دائماً در میدان نبردهای منطقه در عراق و سوریه توسط

نیروهای مقاومت در قالب حملات پهبادی و موشکی به چالش کشیده می شود. در نتیجه خروج نیروهای آمریکایی از میدان های نبرد (به عنوان نمونه در افغانستان)، ارزش نقش و قدرت استراتژیک ایران به عنوان یک قدرت بلامنازع منطقه ای، نه تنها در حوزه همسایگان، بلکه در حوزه روابط با سایر قدرت های بزرگ یعنی اروپا، روسیه، چین، و هند افزایش می یابد.

راهبرد مقاومت نیابتی با تکیه بر بحران های منطقه ای و تأثیر پذیری از شرایط ژئوپلیتیک منطقه ای متشکل از دو بعد سخت افزاری و نرم افزاری است. بکارگیری این راهبرد، نه تنها بر نقش ایران در منطقه تأثیر گذار بوده است، بلکه تأثیرات عمیقی در کشورهای رقیب و دشمن و تغییر سیاست راهبردی آن ها در منطقه نیز داشته است. خروج عربستان سعودی و امارات از میدان بحران سوریه و توقف حمایت از گروه های تکفیری و نیروهای مخالف حکومت بشار اسد یک نمونه است. بعد سخت افزاری که شامل استفاده از سلاح ها و امکانات نظامی و بعد نرم افزاری شامل بسیج توده هایی از مردم کشورهای میزبان است که از حضور بیگانگان در منطقه خسته و خواهان امنیت و آرامش برای ملت خود هستند. همزمان مقاومت نیابتی با تأثیر گذاری فرهنگی و ایدئولوژیک بر ضرورت عدم حضور ضد استعماری بیگانگان، با هزینه های اندک و علی رغم محدودیت امکانات موجود، یک استراتژی قوی و کارآمد در پیروزی در میدان های نبرد بوده است. غرب با در اختیار داشتن ارتشی قوی قادر به کنترل و مهار بحران های منطقه ای و پیروزی نسبی در هیچیک از آن ها نبوده است. همچنین، راهبرد مقاومت نیابتی با تکیه بر استراتژی بازدارندگی و موازنه وحشت در منطقه عاملی در عقب راندن نیروهای آمریکایی از منطقه و تضعیف نقش سیاسی آن ها در هدایت بحران های منطقه ای بوده است (Fulton, 2013). برای جمهوری اسلامی ایران عدم حضور آمریکا و قدرت های فرامنطقه ای با تکیه بر استراتژی نیروهای مقاومت در منطقه که اثرات آن به شکل طولانی مدت باقی خواهد ماند، دستاوردی استراتژیک محسوب می شود.

به واقع، ایران با حضور فعال و پیشگیرانه در سنگرهای دفاعی برون مرزی قادر خواهد بود کاستی های نسبی خود را در حوزه توانایی متعارف نظامی که در اثر تحریم ها بوجود آمده را تا حد زیادی جبران کند و همزمان میزان هزینه مالی و انسانی احتمالی را کاهش دهد. البته باید توجه داشت که شبکه نیروهای نیابتی با توجه به محیط و ویژگی های ژئوپلیتیک محلی خود بطور مستقل عمل می کنند. اما در راهبرد مقاومت نیابتی هر کدام از این نیروها به مثابه یک بازدارنده دفاعی برای تقویت عقبه استراتژیک ایران و به واقع بقای خود ایفای نقش می کنند. نوع عملکرد این نیروها

پیچیده و لایه ای است. اگر منابع تهدید قصد حرکت و تهاجم به سمت ایران را داشته باشند، به صورت گریز ناپذیری باید از درون این لایه ها عبور کند و به سرزمین اصلی برسند که در این صورت مورد محاصره این شبکه مقاومت نیابتی قرار خواهند گرفت. همین مسأله باعث شده تا ایجاد گروه های مقاومت نیابتی در منطقه توسط ایران به صورت یک استراتژی نامتقارن، حتی از یک سلاح متعارف و فوق پیشرفته مفیدتر عمل کند (قاسمی، ۱۳۹۰). بعضی از تحلیل گران معتقدند که نقش آفرینی و تمرکز جدی ایران در بحران های منطقه ای که شامل کشورهای عراق، سوریه، لبنان، یمن و .. است نشانگر این موضوع است که ایران دارای منافع ژئوپلیتیک ناشی از ایجاد ثبات در منطقه بزرگتر غرب آسیا است که بایستی مورد توجه جدی کنش گران منطقه ای و فرامنطقه ای قرار بگیرد (Vakil and Qilliam, 2019:28).

## ۲. دوم، کارکردهای راهبرد مقاومت نیابتی شهید سلیمانی در میدان های منطقه

### ۲-۱. کارکرد راهبرد مقاومت نیابتی در جنگ های نیابتی منطقه ای

سردار سلیمانی با تکیه بر راهبرد مقاومت نیابتی در منطقه موفق به اجرای راهبرد بازدارندگی «موازنه وحشت» گردید. در این نوع موازنه، دو طرف درگیر در یک بحران از ترس نابود شدن به درجه ای از خویشترن داری در عملیات نظامی می رسند که منجر به نابودی کامل آن ها نشود. این راهبرد متغیری مهم در شکل دادن به مقاومت نامتقارن نیابتی در منطقه غرب آسیا و ماحصل آن جلوگیری از درگیری مستقیم نظامی و آشکار با دولت های متخاصم بوده است. اصولاً جنگ نیابتی در منطقه غرب آسیا به منظور کسب و گسترش نفوذ قدرت غرب در یک حضور رقابتی مشترک صورت گرفته است. گاهی طرف های متخاصم تلاش می کنند در ژئوپلیتیک بیرونی خود نوعی از بازی را پیش برده و مطابق توافقی نانوشته از کشیده شدن تنش و کشمکش به ژئوپلیتیک داخلی خود پرهیز و تا حد امکان آن را مهار کنند. بر همین مبنا، جنگ های نیابتی سخت با اهدافی مانند فرسایش توان نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیک نیز صورت می گیرند. در گیرسازی طرف مقابل در جبهه ای چند لایه، تیلور، راهبرد فرسایش محور جنگ نیابتی است (ابوالحسن شیرازی، ۱۳۹۴: ۸۳). از اینرو، راهبرد مقاومت نیابتی سردار سلیمانی رویکردی نوین در قبال مهار جنگ های نیابتی دولت های رقیب و متخاصم ایران در منطقه به منظور حفظ موازنه سیاسی و نظامی اتخاذ شد که تاکنون نیز موفق بوده است.



یکی از ویژگی‌های راهبرد مقاومت نیابتی، تمرکز بر ایجاد هسته‌های مقاومت شیعی و اسلامی در قلب خط مقدم با نیروهای متخصص است (مددی، ۱۳۹۳: ۱۵). این شیوه هم جنبه ایدئولوژیک و هم جنبه ژئوپلتیک دارد. به واقع، انگیزه توسل به گروه‌های نیابتی توسط نیروهای تحت‌الامر سردار سلیمانی در منطقه به مشروعیت، انکارپذیری، سود و هزینه‌های مالی و جانی و قابلیت‌های این راهبرد با توجه به شرایط داخلی ایران باز می‌گردد. نقش «قدرت موازنه‌ساز» نیروهای مقاومت شیعی در منطقه غرب آسیا و تاثیر آن بر رویکردهای سیاسی-امنیتی ایران در منطقه، در اکثر طرح‌های سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی سیاست خارجی ایران شکل گرفت و تقویت جبهه مقاومت به یکی از اصول ثابت سیاست خارجی ایران تبدیل شد. اکنون ایران در شطرنج سیاست خارجی و روابط بین‌المللی خود از این فرصت و ظرفیت قابل توجه نهایت بهره را می‌برد.

ایران در زمره کشورهای دارای ژئوپلتیک تهدید است و به این لحاظ اهداف امنیتی و راهبردی متفاوتی دارد. قدرت‌های غربی به جد در صدد کنترل فضای سیاسی-امنیتی ایران هستند و بازیگران منطقه‌ای مانند عربستان و اسرائیل تلاش زیادی برای محدود سازی و مقابله با رهیافت‌های امنیتی ایران به انجام رسانده‌اند (متقی، ۱۳۸۹: ۱۳). اینگونه بود که ایران تلاش کرد برای پیشبرد راهبرد سیاست خارجی مقابله‌گرایانه خویش بر روی گروه‌ها و جنبش‌های ضد استکباری و ضد صهیونیسم در منطقه سرمایه‌گذاری کند. نیروهای محور مقاومت با رویکردی عمل‌گرایانه به سیاست اتحاد و در نتیجه موازنه بخشی برای مقابله با آمریکا روی آورد تا بتواند به شرایط جدید نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد یعنی ضرورت همراهی با تک‌ابرقدرت تن در ندهد. به دیگر سخن، جمهوری اسلامی بر مبنای رعایت اصل خودیاری و ایجاد بازدارندگی در برابر آمریکا و متحدانش در منطقه که از نظر قابلیت‌های متعارف نظامی دست برتر را داشتند، به راهبرد تشکیل گروه‌های نیابتی روی آورد تا به عنوان یک ابزار غیرمستقیم برای تامین منافع خود و جلوگیری از تهدید خارجی به کار گیرد (مصطفی‌نژاد، صمدی، ۱۳۹۷: ۲۷). راهبردی که با در نظر گرفتن کمترین هزینه، بیشترین سود و نتیجه را در منطقه در قبال هزینه‌های گسترده انسانی و مالی نیروهای غرب کسب کرده است.

## ۲-۲. کاربرد راهبرد مقاومت نیابتی در جنگ‌های نرم منطقه‌ای

امروزه ایران با همت و مدیریت استراتژیک شهید سلیمانی در حوزه امنیتی بلافصل خود همچون در سوریه (نیروهای دفاع ملی)، لبنان (حزب الله)، عراق (حشدالشعبی)، یمن (حوثی‌ها) و افغانستان (فاطمیون) از حمایت نیروهای سیاسی دوست برخوردار است. به عنوان نمونه، هسته

لشکر فاطمیون را رزمندگان شیعه «سپاه محمد» تشکیل می دهند که در طول جنگ شوروی و افغانستان، جنگ علیه طالبان تا سقوط آن و همچنین در تیب ابوذ در جنگ هشت ساله ایران و عراق فعال بودند. آن ها یک گروه شبه نظامی شیعه تمام افغان هستند که داوطلبانه در جنگ ایران و عراق شرکت کردند. در طول جنگ ایران و عراق، این نیروها در مناطق کوهستانی لولان و نوچه در شمال غرب ایران مستقر بودند، زیرا در جنگ کوهستان و جنگ های نامنظم در طول جنگ با شوروی تجربه داشتند. لشکر آماده و صف شکن شیعه افغانستان با نام فاطمیون، به صورت رسمی در سال ۱۳۹۲ برای جنگ در سوریه در کنار دولت سوریه تشکیل شدند. بودجه آن ها توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تأمین می شد و آموزش و تجهیز آن ها نیز از طرف دولت ایران انجام می گرفت، لذا تحت فرماندهی مستشاران نظامی ایرانی می جنگیدند (Fadel, 2016:12).

این موضوع حائز اهمیت بیشتری می شود که بدانیم تجزیه و تحلیل روند تحولات منطقه غرب آسیا در چهار دهه گذشته حکایت از وجود یک «معمای امنیتی» در وجود ارتباط پنهانی بین قدرت های غربی و متحدان منطقه ای آن ها از یک سو و گروه های تکفیری و تروریستی از سوی دیگر در منطقه غرب آسیا دارد. زمانی ترامپ رئیس جمهور سابق آمریکا اعتراف کرد که دولت قبلی آمریکا داعش را بوجود آورد (Warontherocks, 2018). در واقع شکل گیری تضاد هویتی و گفتمانی جمهوری اسلامی ایران با این گروه ها پس از شکل گیری محور مقاومت و نیروهای مقاومت در منطقه باعث شکل گیری رقابت سیاسی و امنیتی بین ایران و غرب و متحدان منطقه ای آن در روند معادلات سیاسی - امنیتی غرب آسیا شد. تحولات ژئوپلیتیک کنونی منطقه همانند افزایش نقش و نفوذ ایران و روسیه در سوریه، عراق و یمن، بیش از پیش قدرت های غربی را بابت برهم خوردن معادلات موازنه قوای منطقه ای نگران کرده است. در حال حاضر همکاری راهبردی آمریکا با رژیم اسرائیل در داخل منطقه جهت مهار ایران و بمباران پایگاه های ایران در سوریه توسط اسرائیل به منظور جلوگیری از تثبیت قدرت جمهوری اسلامی ایران و متحدانش نظیر حزب الله لبنان در سوریه، آغاز سیاست عادی سازی روابط اسرائیل با برخی از کشورهای عربی منطقه نظیر امارات، بحرین و... فصل نوینی از رقابت های تنش آمیز چندلایه امنیتی، نظامی، سیاسی و هویتی غرب و رژیم اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران در زمینه تعیین سرنوشت سیاسی منطقه به حساب می آید (حق گو، عظیم زاده، رادمرد، ۱۳۹۸: ۱۵۸). از این رو، سردار سلیمانی با شکل دهی و پیشبرد راهبرد مقاومت نیابتی در منطقه نقشی اساسی در مواجهه با جنگ های نرم کشورهای متخاصم در منطقه ایفا کرده است.

## ۲-۳. کاربرد راهبرد مقاومت نیابتی در تحول شیوه جنگ ها

گسترش از جمله سیاست های منطقه ای محور مقاومت تحول در شیوه جنگ های منطقه ای بوده است. این محور سبب تهدید امنیت سایر ائتلاف های رقیب و متخاصم شده و آن ها را به این دیدگاه مشترک رسانده است که جهت مقابله با محور مقاومت می بایست بحران و ناامنی را به داخل خاک کشورهای این ائتلاف تسری دهند. به عبارتی، سایر ائتلاف ها تلاش کرده اند تا با شیوه های گوناگون، محیط داخلی کشورهای محور مقاومت را ناامن کرده تا بدین ترتیب، شدت و حدت فعالیت های برون مرزی آن ها را تا حدی تعدیل کنند. اما محور مقاومت با تأکید بر مؤلفه های مذهب شیعه که در تضاد با سایر ائتلاف ها قرار دارد، به نوعی قدرت آن ها را در روندهای سیاسی-امنیتی منطقه به چالش کشیده است. در واقع محور مقاومت با ایستادگی در برابر جریان سلطه، ثبات و کارآمدی دیگر ائتلاف ها را به خطر انداخته است (قاسمی، ۱۳۹۶: ۵۰).

نخستین تأثیر مقاومت نیابتی به فرماندهی شهید سلیمانی در مناسبات و تحول شیوه جنگ های منطقه ای، تأکید بر ضرورت دفاع از مردم فلسطین بوده است. در واقع حمایت های محور مقاومت از لبنان، فلسطین و جنبش حماس را می بایست در راستای عملیاتی کردن اصول این محور دانست. هدف محور مقاومت در فلسطین استقرار یک جامعه اسلامی با محوریت امت اسلامی است که این امر تأثیرات مهمی در سطح مجموعه امنیتی غرب آسیا بر جای گذاشته است (Abdo, 2017: 146).

دومین تلاش و اثر گذاری مقاومت نیابتی در تحول شیوه جنگ در منطقه به کشور عراق برمی گردد. جایی که با رشد محور شیعه در این کشور، محور مقاومت نیز نفوذ قابل توجهی در عراق پیدا کرده است. قدرت گرفتن شیعیان در عراق مسائل سیاسی-امنیتی متعددی را برای عربستان سعودی و ایالات متحده به وجود آورد. چون این امر به معنای سرآغازی برای نفوذ مقاومت در منطقه و قدرت گیری محور مقاومت به عنوان تشکلی غیرهمسو و دارای ضدیت با غرب و ایالات متحده آمریکا در منطقه غرب آسیا است (قاسمی، ۱۳۹۶: ۵۰).

سومین تأثیر گذاری مقاومت نیابتی شهید سلیمانی در منطقه در جهت مدیریت و کنترل جنگ ها به منازعه سوریه بعد از تحولات بهار عربی بر می گردد. در این راستا، شبکه مقاومت نیابتی با همکاری نزدیک به سرکوب داعش و حفظ یک حکومت دوست در سوریه پرداختند. این تحول خود به نوعی راهبردهای سیاسی-امنیتی معادله غرب و متحدان منطقه ای اش را به چالش جدی کشید و سرانجام منجر به دخالت محدود نظامی آمریکا و منفعل شدن کشورهای اروپایی در سیاست

منطقه ای آن‌ها گردید.

چهارمین صحنه تأثیر گذاری مقاومت نیابتی شهید سلیمانی، مربوط به حمایت از جنبش سیاسی حوثی‌ها (انصارالله) در یمن در جریان مبارزه با جنگ تحمیلی و سلطه خواهانه عربستان سعودی در این کشور می‌شود. دستاوردهای مهم نظامی انقلابیون یمن در این منازعه بسیاری از معادلات سیاسی-امنیتی مدنظر رژیم اسرائیل را بر هم زده است و یک وزنه مهم در قدرت‌سنجی محور مقاومت در مجموعه امنیتی غرب آسیا به حساب می‌آید.

### ۳. راهبرد مقاومت نیابتی شهید سلیمانی و خروج آمریکا از منطقه غرب آسیا

#### ۳-۱. نقش راهبرد مقاومت نیابتی در خروج آمریکا از عراق

از مهمترین دستاوردهای راهبرد مقاومت نیابتی سردار سلیمانی در منطقه غرب آسیا تلاش بی‌وقفه و ثمر بخش او در افول قدرت سیاسی-امنیتی آمریکا و معادله غرب در جریان سازی و ایفای نقش موثر در منطقه غرب آسیا بود که جلوه آن در خروج تدریجی نیروهای نظامی آمریکا در این منطقه نمایان شد. نگاهی تاریخی به روند تحولات منطقه ای این امر را ثابت می‌کند. تلاش معادله غرب و متحدین منطقه ای اش به رهبری آمریکا برای سرنگونی حکومت اسد در سوریه با هدف بعدی تضعیف نقش منطقه ای ایران از سال ۲۰۱۱ نقطه آغازین این افول به حساب می‌آید. ایران با آگاهی از اهداف پشت پرده آمریکا به تقویت جبهه مقاومت نیابتی خود در میدان نبرد پرداخت و مهمترین قدرت بزرگ مخالف غرب یعنی روسیه را به صحنه نبرد سوریه وارد کرد. ظهور و پیشروی خیره کننده داعش در مناطق سوریه و عراق در سال ۲۰۱۴ یک نقطه عطف در این زمینه به حساب می‌آید. داعش با استفاده از تسلیحات پیشرفته و کمک های لجستیکی و نظامی سازمان های جاسوسی کشورهای منطقه و فرامنطقه ای توانست به سرعت در کشورهای عراق و سوریه نفوذ کند و مناطق وسیعی را تحت کنترل خود درآورد. این مسائل باعث شد که دولت های شیعی عراق و سوریه در معرض فروپاشی قرار بگیرند و با این کار امنیت ملی ایران مورد تهدید جدی قرار گرفت. چون محور مقاومت یعنی قوه اصلی بازدارندگی ایران در منطقه در معرض فرسایش و تهدید قرار می‌گرفت.

بعضی ها از تحلیل گران معتقدند که داعش محصول تهاجم آمریکا به عراق و حضور نیروهای خارجی که یک عنصر محرکه برای مقاومت را ایجاد کرده است و در درجه دوم احساس عدم

توازن که در میان برخی کشورهای منطقه بعد از سقوط صدام غلبه یافته است. آن‌ها سعی می‌کنند که وضع موجود را تغییر دهند (Esfandiary & Tabatabai, 2016:6). با پیشروی داعش و زمزمه‌های حمله به بغداد، لحن مقامات ایرانی و نگرانی‌های آن‌ها از به قدرت رسیده دوباره گروه‌های تکفیری در عراق با همکاری بعضی‌ها یا تجزیه این کشور بیشتر شد. سردار سلیمانی از همان روزهای اول حضور داعش در عراق تردیدی در حضور فعالانه نیروهای مقاومت و کمک به مردم عراق در خود راه نداد و فعالانه نیروهای مردمی این کشور را تشویق به مبارزه با این گروه کرد.

در این میان، نیروهای سیاسی کرد به ویژه حزب دموکرات کردستان عراق و نیروهای اسلام‌گرای کرد، در ابتدا مخالف درگیر شدن با داعش بودند و مقامات کرد صراحتاً اعلام کردند که ما وارد جنگ مذهبی تحت لوای جنگ ترور نمی‌شویم (السن، ۱۳۹۵: ۱۹۳). اما بعد از حمله داعش به چند شهر کردها از جمله سنگال و به خطر افتادن پایتخت اقلیم کردستان (اربیل) تصمیم به جنگ با داعش را با تمام قوا اتخاذ کردند. ایران با فرماندهی سردار سلیمانی اولین کشوری بود که جهت مبارزه با داعش به اقلیم کردستان بنا به گفته مسعود بارزانی کمک تسلیحاتی کرد (Geranmayeh, 2014). کمک‌های تسلیحاتی و مستشاری ایران چنان تعیین‌کننده بود که از پیشروی‌های داعش به سمت بغداد و اربیل جلوگیری شد. نیروهای محور مقاومت به فرماندهی سردار سلیمانی، نقش مهمی در آموزش و فرماندهی نیروهای عراقی در خلال جنگ داعش داشتند (Adelkhah, 2015). آمریکایی‌ها که در سال ۲۰۱۴ و یک دهه بعد از اشغال عراق مجدداً به بهانه ظهور داعش در این کشور و مبارزه با تروریسم اشغالگری خود در خاک عراق را تثبیت کرده بودند، نهایتاً با پایان دادن به ماموریت نظامی ائتلاف آمریکایی در خاک عراق تأکید کردند که این نیروها در مرحله بعدی صرفاً نقش مستشاری در این کشور خواهند داشت. به واقع، «سردار سلیمانی با تکیه بر اقدامات راهبردی که شامل تکوین و توسعه ارتش فراملی مقاومت که با تکیه بر نیروهای مردمی پیاده گردید، امکان یک دفاع فراملی را برای عراق رقم زد که این مهم نیز سبب افزایش تجربه و قدرت محور مقاومت به رهبری ایران در منطقه گردید. نقش بیشتر ایران در منطقه خود به نوعی بیانگر افول هژمونی آمریکا به حساب می‌آید» (قیطاسی، ۱۴۰۱).

### ۳-۲. نقش راهبرد مقاومت نیابتی در خروج آمریکا از افغانستان

از دیگر اقدامات سردار سلیمانی تسریع در خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان با کاربرد راهبرد مقاومتی بود. هدف اعلامی آمریکا از ورود به افغانستان در دلایلی چون، ایجاد دولت لیبرال و

دموکرات، ایجاد ملت منسجم و همدل، کاهش کشت و تولید مواد مخدر، کاهش تولید و تکثیر گروه‌ها و جریان‌های تروریستی، ایجاد پلیس قدرتمند، توسعه اقتصادی و به‌طور کلی ساختن افغانستان به عنوان الگویی در منطقه خلاصه می‌شد. اما بعد از بیست سال حضور آمریکا در افغانستان روند دولت‌سازی و ملت‌سازی در این کشور به قهقرا رفت. سرانجام آمریکا معادله قدرت و واقعیت میدانی اجتناب‌ناپذیر بودن پذیرش طالبان را درک کرد و در طی مذاکرات دوحه به سازش با این گروه تن داد (اسدی، ۱۳۹۰). اما بزرگ‌ترین دستاورد راهبرد مقاومت نیابتی شهید سلیمانی در افغانستان این بود که جریان مقاومت به ژئوپلیتیک مقاومت تبدیل شد. از اقدامات جریان مقاومت برای اثر بخشی در ژئوپلیتیک شدن محور مقاومت می‌توان به آموزش‌های نظامی نیروهای طالبان در جهت آماده‌سازی در جنگ با نیروهای آمریکایی اشاره نمود. به این لحاظ، شکست آمریکا صرفاً محصول ناکامی و ناتوانی خودشان نیست، بلکه محصول تلاش‌های جریان مقاومت نیز می‌باشد. مردم نیز به عنوان ضلع سوم این مقاومت نیابتی در افغانستان به شمار می‌آیند. به واقع، «راهبرد مقاومت نیابتی در افغانستان به کمک طالبان آمد و توانست آمریکای تضعیف شده را از افغانستان خارج کند» (مالکی، ۱۴۰۱).

### ۳-۳. نقش راهبرد مقاومت نیابتی در عدم حضور میدانی آمریکا در بحران سوریه و یمن

مهمترین هدف آمریکا در منطقه غرب آسیا که به طور کامل تبیین‌کننده دیگر اهداف این کشور در سوریه و یمن است، حمایت از امنیت و منافع رژیم اسرائیل در منطقه است. در واقع، آمریکایی‌ها برای حراست از امنیت اسرائیل از هر گونه تلاشی در تضعیف کشورهای مخالف منافع آمریکا در منطقه پرهیز نکرده‌اند (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۱۴). به واقع، آنچه موجب عدم حضور نیروهای آمریکایی در بحران سوریه و یمن شده، نقش فعال و پررنگ نیروهای مقاومت به فرماندهی سردار سلیمانی است. سردار سلیمانی شبکه‌ای با تشکیل نیروهای محلی طرفدار ایران در منطقه با کمترین هزینه برای دفع این تهدیدات ایجاد کرد. به واقع، «یکی از دستاوردهای سردار سلیمانی این بود که ایشان توانست توازن را در منطقه به نفع محور مقاومت رقم بزند» (امیرعبداللهیان، ۱۳۹۸).

نتیجه موفقیت مقاومت نیابتی شهید سلیمانی در میدان‌های لبنان، افغانستان، و عراق بود که آمریکایی‌ها را به سمت عدم ورود به یک جنگ بی‌حاصل دیگر در سوریه سوق داد. به لحاظ تاریخی، در نیمه سال ۲۰۱۲، سردار سلیمانی فرماندهی نظامی سپاه ایران و حتی نیروهای رسمی در جنگ داخلی سوریه را به عهده گرفت. آن زمان ایران و متحدان اندک بشار اسد و شخص اسد، به

شدت نگران ناتوانی در نبرد با مخالفان و عواقب منفی آن برای جمهوری اسلامی در صورت سقوط دولت سوریه بودند. از همین رو، شهید سلیمانی از پایگاهی در دمشق جلسات خود برای تشکیل بسیج نیروهای دفاع ملی را با مشاوران ایرانی، سوری، عراقی و فرماندهان حزب الله لبنان تشکیل می داد (Filkins, 2013). دفتر فرماندهی در دمشق سه وظیفه اصلی دیگر نیز داشت: نخست، طراحی و هماهنگی حملات نیروهای دفاع ملی و محور مقاومت؛ دوم، آموزش نیروهای بسیجی و مردمی؛ و سوم، ایجاد یک سیستم دقیق برای نظارت بر تحرکات تجزیه طلبان به وسیله بسیج مردمی. مطابق ادعای دکستر فیلکینز، سردار سلیمانی هزاران نفر از نیروهای دفاع ملی سوریه، قدس، زینیون، فاطمیون، بدر، حشدالشعبی و... را در سراسر کشور سوریه فرماندهی می کرد. در همین راستا، به گفته جان مگوایر، افسر سابق سیا، برنامه ریزی و بازپس گیری منطقه قصر در ماه مه ۲۰۱۳، از نیروهای سلفی جهادی، توسط شخص سردار سلیمانی تنظیم شد (Filkins, 2013).

نقش راهبرد مقاومت نیابتی در عدم حضور میدانی نیروهای آمریکایی در یمن مربوط به موفقیت نیروهای حوثی (انصار الله) در صحنه جنگ این کشور است. عدم موفقیت ائتلاف متجاوز سعودی- اماراتی در شکست این نیروها و کسب پیروزی های میدانی انصارالله، به ویژه در منطقه الحدیده، همراه با حمله های پهبادی نیروهای مقاومت یمن به اهدافی در عربستان سعودی و امارات متحده عربی و اعلام برنامه های انصار الله در هدف گیری اسرائیل (ایرنا، ۱۳۹۸)، خود به باز شدن جبهه جدیدی در اطراف مرزهای قابل دفاع اسرائیل در قالب معادله «موازنه وحشت» تلقی می شود. تاکنون انصار الله توانسته موشک هایی به مناطقی از عربستان سعودی و امارات شلیک کند که برد آن ها به بیش از ۱۲۰۰ کیلومتر می رسد (برزگر، ۱۳۹۹). اکنون تجربه و قدرت سیاسی انصارالله در صحنه بحران یمن به اندازه ای تقویت شده که سعودی ها چاره ای جز پذیرش عدم توانایی در شکست این جریان سیاسی نداشته باشند. در آخرین تحول نیز، سعودی مجبور به بهبود روابط با ایران با میانجگری چین شدند تا بیش از هر چیز از باتلاق جنگ یمن خلاص شوند.

### نتیجه گیری

یافته های این پژوهش نشان می دهد که راهبرد مقاومت نیابتی سردار سلیمانی نقش برجسته ای در خروج تدریجی نیروهای نظامی آمریکایی از میدان کشورهای محور مقاومت داشته است. در عراق با به کار گیری ابزارهای سخت افزاری و نظامی و پیوند میان ابزار و بسیج توده ها و نیروهای

غیر دولتی، با برقرار کردن تعادل میان امکانات محدود با کمترین هزینه و با توجه به سیاست استراتژیک منحصر به فرد خویش باعث کمرنگ شدن و افول نیروهای آمریکایی در این کشور گردید. نیروی مقاومت ایجاد شده به رهبری سردار سلیمانی نقش برجسته ای در تضعیف و حرکت به سمت افول نیروهای آمریکایی در منطقه گردید. مهم ترین اصل و هدف سردار سلیمانی از تشکیل و هدایت نیروهای مقاومت ایجاد روندهای مستقل در کشورهای منطقه برای تامین منافع و امنیت ملی آن ها بوده است. از دیگر اهداف محور مقاومت تشکیل حلقه ای مستحکم از کشورهای منطقه برای جلوگیری از نفوذ رفتارهای نامطلوب دشمن و خشی سازی اقدامات آن ها بوده است. به عبارتی این سیاست را می توان به سیاست مقاومت نیابتی سردار سلیمانی در مواجهه با تهدیدات نیروهای آمریکایی در منطقه تعبیر نمود. از دیگر اهداف این راهبرد می توان به مدیریت شرایط پسمانازه و تداوم دولت فراگیر در کشورهای محور مقاومت به منظور ایجاد ثبات و آرامش با هدف جلوگیری از ایجاد هرگونه ناامنی توسط کشورهای رقیب و دشمن اشاره کرد. بنابراین، در پاسخ به پرسش اصلی این مقاله، اکنون می توان گفت که سردار سلیمانی با تشکیل شبکه ای از نیروهای نیابتی موسوم به محور مقاومت و با افزایش هزینه های حضور مستقیم نیروهای نظامی در غرب آسیا و نمایاندن عدم توانایی نیروهای نظامی آمریکایی در مهار و مدیریت بحران های منطقه ای به نفع منافع خود، شرایط و موقعیت لازم را در راستای خروج نیروهای نظامی آمریکایی در منطقه فراهم کرد. راهبرد مقاومت نیابتی شهید سلیمانی آرایش سیاسی - امنیتی غرب آسیا را دستخوش تغییر شگرف کرد. یکی از نتایج آشکار بکارگیری این راهبرد خروج تدریجی نیروهای نظامی آمریکا از منطقه، تضعیف نقش سیاسی معادله غرب در روندهای سیاسی - امنیتی منطقه، ایفای نقش بازیگری جدید سایر قدرت های بزرگ همچون روسیه و چین، و نهایتاً گرایش کشورهای منطقه به گسترش روابط منطقه ای می باشد که با بهبود روابط تهران - ریاض با میانجیگری چین جلوه جدیدی یافته است.

نظر به کارآمدی راهبرد مقاومت نیابتی شهید سلیمانی در تأمین منافع و امنیت ملی ایران بر اساس این پژوهش، پیشنهادات زیر به حوزه سیاستگذاری ارائه می شود. نخست، نهادینه کردن راهبرد مقاومت نیابتی به عنوان یک ابزار پیشبرد سیاست منطقه ای ایران در مواجهه با تهدیدات سیاسی - امنیتی قدرت های رقیب و متخاصم؛ دوم، اکنون با تقویت نقش ایران در میدان های نبرد منطقه ای به همت شهید سلیمانی، فرصت برای بکارگیری یک دیپلماسی فعال منطقه ای فراهم شده



و دستگاه دیپلماسی کشور باید از این لحظه تاریخی استفاده کند. و سوم، نتیجه بخش بودن راهبرد مقاومت نیابتی این پیام را به کشورهای رقیب منطقه ای و فرامنطقه ای می دهد که نقش منطقه ای ایران را با متدولوژی متفاوت و نه صرفاً از زاویه منافع خود، بلکه از زاویه منافع ایران و منطقه هم در نظر بگیرند. لذا فرصت خوبی است تا ایران از نقش و نفوذ سیاسی خود در ایجاد ائتلاف سازی، تقویت انسجام درونی ملت ها و دولت های محور مقاومت، و حمایت از تشکیل و تداوم دولت های فراگیر در این دولت ها استفاده کند. بی تردید، ثبات در منطقه و کم رنگ شدن نقش بیگانگان بیشتر از همه به نفع منافع و امنیت ملی ایران است.

## منابع

- اسدی، ناصر (۱۳۹۰)، *دیپلماسی اجبار (بررسی مقایسه ای سیاست ایالات متحده در قبال عراق، لیبی و ایران)*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- امیرعبداللهیان، حسین (۱۳۹۸)، «امیرعبداللهیان: تحولات منطقه به هم پیوسته است»، باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳ بهمن <https://www.yjc.ir/fa/news/7230967>
- السن، رابرت (۱۳۹۲)، *جنبش های ناسیونالیستی کردی در ترکیه از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۱*، چاپ اول، تهران: نشر پانید.
- برزگر، کیهان (۱۳۹۹)، «اهداف استراتژیک امریکا و اروپا درمورد ایران»، *فصلنامه سیاست خارجی*، دوره ۳۴، شماره ۱۳۳، خرداد، صص ۵۵-۳۷.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۷)، «ایران، خاورمیانه و امنیت بین الملل»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال ۲۲، شماره ۳، پاییز، صص ۶۶۶-۶۵۳.
- برزگر، کیهان (۱۴۰۲)، «آشتی ایران و عربستان سعودی»، *روزنامه ایران*، نمایه شده در، <https://www.sharghdaily.com>
- حق گو، جواد؛ عظیم زاده، جعفر و رادمرد، محمد (۱۳۹۸)، «بازدارندگی شبکه ای بایسته های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب»، *فصلنامه علمی پژوهش های انقلاب اسلامی*، دوره ۹، شماره ۴، شماره پیاپی ۳۵، صص ۱۶۱-۱۳۷.
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷)، «ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران براساس گفتمان انقلاب اسلامی»، *فصلنامه آفاق امنیت*، دوره یازدهم، شماره ۳۸، بهار، صص ۳۳-۵.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۹۰)، *نظریه های روابط بین الملل و مطالعات منطقه ای*، تهران: نشر میزان.
- قاسمی، فرهاد و دیگران (۱۳۹۷)، «عربستان سعودی و بازدارندگی شبکه ای علیه جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۲۱، شماره ۸۱، صص ۱۳۵-۱۶۰.
- قیطاسی، سجاد (۱۴۰۱)، «شهید سلیمانی و امنیت مردم پایه در جبهه مقاومت»، نمایه شده در: [kayhan.ir/fa/news/257244](http://kayhan.ir/fa/news/257244)
- مصلی نژاد، عباس و صمدی، علی (۱۳۹۷)، «سیاستگذاری راهبردی عربستان در روند گسترش ژئوپلیتیک بحران در خاورمیانه»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۸، شماره ۱، صص ۲۱۹-۱۷۹.

متقی، ابراهیم (۱۳۸۹)، «ارزیابی مقایسه ای تهدیدهای آمریکا در برخورد با ایران»، فصلنامه آفاق امنیت، سال سوم، شماره ۶، صص ۳۰-۷.

متقی، ابراهیم؛ بقایی، خرم و رحیمی، میثم (۱۳۸۱)، «بررسی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر (براساس رویکرد واقعگرایی تهاجمی)»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی، شماره چهارم، زمستان، صص ۲۶-۱.

معنوی، سید مجتبی (۱۴۰۱)، «دشمن شناسی و دشمن ستیزی در پرتو فرهنگ انتظار و مقاومت (در مکتب شهید سلیمانی)»، نشریه مشرق موعود، شماره ۶۱، بهار، صص ۱۹۷-۱۷۹.

مددی، جواد (۱۳۹۳)، «نقش انصارالله در رهبری تحولات یمن»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۵۸، صص ۵۶-۳۳.

مالکی، فدا حسین (۱۴۰۱)، «ناگفته هایی از نقش پنهان سردار سلیمانی در افغانستان و روابط با احمد شاه مسعود»، نمایه شده در سایت [hamshahrionlion.ir/news/732005](http://hamshahrionlion.ir/news/732005)

نیاکویی، سیدامیر و بهمنش، حسین (۱۳۹۱)، «بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها»، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۴، زمستان، صص ۱۳۵-۹۷.

Abdo, Geneive (2017), **The New Sectarianism: The Arab Uprising & the Rebirth of Shia-Sunni Divide**, Oxford University Press, pp. 144-151.

Adelkhah, Nima (2015), "Iranian Intervention in Iraq against Islamic State: Strategy, Tactics and Impact, Terrorism" **Monitor** Volume: 13 Issue: 2, available at: <https://jamestown.org/program/iranian-in-irag-against-the-islamic-state-strategy-tactics-and-impact>.

Fadel, Leith (2016), "Iranian Special Forces Arrive in Palmyra to Help Liberate the City", 21 March 2016, **AL-Masder News**, <https://www.almasdarnews.com/article/irgc-soldiers-arrive-palmyra-help-liberate-city/>

Fulton, Will (2013), "Iranian Strategy in Syria", **isw**, Institute for the study of war, prescient analytics.

Filkins, Dexter (2013), "The Shadow Commander, 30 September 2013", **The New Yorker**, <https://www.newyorker.com/magazine/2013/09/30/the-shadowcommander>

Geranmayeh, Ellie (2017), "Irans strategy against the Islamic state", **ECFR Council**, available at [http://www.ecfr.eu/artcle/commentary\\_irans\\_strategy\\_against\\_the\\_islamic\\_state320](http://www.ecfr.eu/artcle/commentary_irans_strategy_against_the_islamic_state320).

Katzman, Kenneth (2019), "Iran's Foreign and Defense Policies", **Congressional Research Service**, R44017.

- Rose, G. (1998), "Neoclassical Realism and Theories of Foreign Policy". **World Politics**, 51.
- Shlapentokh, Dmitry (2009), **Russian Elite Image of Iran: From the Late Soviet Era to the Present**, Washington: Strategic Studies Institute.
- Snyder, G. H. (2002), "Mearsheimer's World— Offensive Realism and the Struggle for Security", **International Security**, Vol. 27, No. 1, summer, pp. 149–173.
- Tomar, Sanjiv (2014), "Proxy Warfare", **Journal of Defense Studies**, Vol. 8, No. 2, April-June.
- Vakil, Sanam & Quilliam, Neil (2019), **Getting to a New Iran Deal a Guide for Trump**, Washinton, Tehran, Europe and the Middle East and North Africa Programme, research paper.